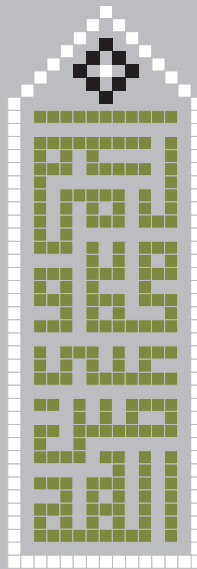


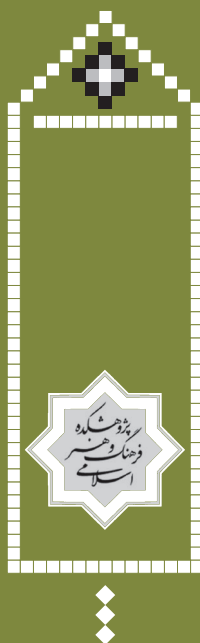
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: جمشیدی منش، محمد، ۱۳۷۳-، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه گفتارهای در باب تاریخ شفاهی /
گزینش و ترجمه محمد جمشیدی منش، مهدی خلیلی؛
ویراستاران الهام سادات یاسینی، سیما سرشار.
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۴۳ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۷۱۶-۳-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: تاریخ شفاهی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
Oral history -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده: خلیلی، مهدی، ۱۳۷۰-، گردآورنده، مترجم
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
رده بندی کنگره: ۱۴/ D۱۶
رده بندی دیویی: ۹۰۷/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۶۷۸۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

مجموعه گفتارهایی
در باب
تاریخ شفاهی

گزینش و ترجمه
محمد جمشیدی منش
مهدی خلیلی



نشانی پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری
کدپستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲
شماره تماس: ۰۹۹۳۶۹۷۹۳۲



با اسکن
رمزنامه از
دیگر آثار
پژوهشکده
آگاه
شوید

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۰۹۹۳۶۹۷۹۳۲-۳



پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

مجموعه گفتارهایی در باب

تاریخ شفاهی

گزینش و ترجمه

محمد جمشیدی منش، مهدی خلیلی

ویراستاران: الهام سادات یاسینی، سیما سرشار

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه آرا: احمد الهی

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۷۱۶-۳-۰



تقديم به دكتر عيسى اسكندري كه بهار عمرش بسيار کوتاه بود.



فهرست مطالب

۸ مقدمه مترجمان

۱۷ مقدمه؛ تحولات انتقادی / رابرت پرکس و الستر تامسون

۲۷ صدای گذشته؛ تاریخ شفاهی / پل تامسون

۴۳ تاریخ شفاهی و دوران سخت؛ یک مقاله مروری / مایکل فریش

۶۱ جنبش بدون هدف؛ مسائل نظری و روش شناختی در تاریخ شفاهی / رونالد گریل

۸۹ ایدئولوژی کار و اجماع در عصر فاشیسم ایتالیا / لونیزا پاسرینی

۱۰۷ آنچه تاریخ شفاهی را متفاوت می‌کند / الساندر وپورتلی

۱۰۹ خاطرات به نظریه‌ها منجر می‌شوند

۱۱۰ شفاهیت تاریخ شفاهی

۱۱۳ تاریخ شفاهی به عنوان روایت

۱۱۵ رویدادها و معانی

۱۱۷ منابع شفاهی را باور کنیم؟

۱۲۱ عینیت

۱۲۴ چه کسی در تاریخ شفاهی سخن می‌گوید؟

۱۲۹ خاطره عمومی؛ نظریه، سیاست‌ها و روش / گروه خاطره عمومی

۱۳۱ خاطره عمومی به عنوان یک موضوع مطالعه

۱۳۷ خاطره عمومی به مثابه عملی سیاسی

۱۳۹ منابع و دشواری‌ها

۱۳۹ - منابع

۱۴۶ - دشواری‌ها و تناقض‌ها

۱۵۳ قصه‌هایمان را بگوییم؛ مباحثات فمینیستی و استفاده از تاریخ شفاهی / جون سانگستر

۱۵۶ تاریخ شفاهی و ساخت خاطره‌های زنان

۱۶۳ معضلات اخلاقی؛

۱۶۷ معضلات نظری

۱۷۳ نتیجه

چهار تغییر پارادایمی در تاریخ شفاهی / الستر تامسون

۱۷۹

مقدمه ۱۸۰

تاریخ شفاهی و تاریخ مردم: رنسانس خاطره به عنوان یک منبع تاریخی ۱۸۱

رویکردهای پساپوزیتیویستی به خاطره و ذهنیت ۱۸۳

تاریخ شفاهی و کار خاطره سیاسی در دوره خویش نامه ای ۱۸۷

ذهنیت روابط تاریخ شفاهی در رویکردهای میان رشته ای ۱۹۱

ترقی مطالعات خاطره ۱۹۴

انترناسیونالیسم تاریخ شفاهی ۱۹۶

انقلاب دیجیتال در تاریخ شفاهی ۱۹۹

روش های زندگی نامه ای / جوانا برنات

۲۱۱

روش های زندگی نامه ای ۲۱۳

روش تفسیری زندگی نامه ای ۲۱۸

تاریخ شفاهی ۲۲۰

تحلیل روایت ۲۲۳

استخراج تفاوت ها ۲۲۷

مصاحبه به منزله [فعالیتی] پرسشی ۲۲۷

حافظه به عنوان منبعی برای «امر گذشته» ۲۳۳

تأثیر تفسیری ۲۳۶

نتیجه گیری ۲۳۹

منابع ۲۴۰



مقدمه مترجمان



پورتلی در آغاز مقاله معروف خود، «آنچه تاریخ شفاهی را متفاوت می‌کند»، جمله‌ای می‌گوید که متناظر با جمله مارکس در آغاز مانیفست کمونیست است: «شبحی در حال تسخیر سالن‌های دانشگاه است: شبح تاریخ شفاهی». این گزاره درباره دانشگاه‌های ما صدق نمی‌کند؛ اما درباره فضای عمومی جامعه ما چرا. هرروزه کتاب‌هایی با عنوان و موضوع تاریخ شفاهی به چاپ می‌رسد و این حوزه را فربه و فربه‌تر می‌کند. هرروزه ساعت‌ها صوت به آرشیو مؤسسات اضافه می‌شود و ساعت‌ها مصاحبه از آرشیو خارج می‌شود تا به کتاب تبدیل شود؛ اما دانشگاه ما همچنان برای ورود به این حوزه مذبذب است. پورتلی می‌گفت: «جامعه روشن‌فکری ایتالیا که همیشه به چیزهای تازه‌ای که از خارج می‌آید مشکوک بوده است، قبل از اینکه بفهمد تاریخ شفاهی چیست و چگونه از آن استفاده می‌شود، به سرعت درصدد برآمد که آن را سر جای خود بنشاند.» برعکس، جامعه روشن‌فکری ما به چیزهای تازه‌ای که از خارج می‌آید، مشکوک نیست؛ بلکه به چیزهایی شک دارد که ممکن است حوزه مطالعات رسمی روشن‌فکرانه را زیرورو کند و جایگاه نخبه‌گرایانه آنان را به چالش بکشد. دانشگاه ما از تغییر هراس دارد و به جای

اینکه پیشگام مؤسسات خارج از دانشگاه باشد، غالباً دنباله‌رو آنهاست. شاید دلیل آنکه تاریخ شفاهی همچنان در دانشگاه ایرانی وارد نشده یا منزوی است، همین باشد. این حوزه به دنبال دگرگونی حرفه‌ی تاریخ‌نگاری است. تاریخ شفاهی، با آنکه روش‌ها و رویه‌های خاص خود را دارد، اما به دنبال شعبده‌بازی نیست و لقمه را دور سر نمی‌چرخاند. مستقیم به سمت فعالان و حاضران یک واقعه می‌رود، مردم معمولی را به میدان تاریخ می‌آورد و به آنها اجازه مشارکت در تاریخ می‌دهد. هواداران تاریخ‌نگاری رسمی استدلال می‌کنند که پژوهش تاریخی باید مبتنی بر اسناد باشد و استفاده از روایت‌های گفتاری افراد حاضر در یک واقعه را کاری سطحی می‌دانند. پل تامپسون در کتاب درخشان خود، صدای گذشته، در مقابل این ادعا استدلال می‌کند که روش تاریخ شفاهی بسیار دیرپاست. می‌گوید تمام تاریخ‌های نوشته‌شده‌ای که آنها را سندی متقن می‌دانیم، درواقع چیزی نیستند جز مکتوب کردن گفته‌های کسی که در واقعه‌ای حضور داشته است. پورتلی نیز استدلال می‌کند که بسیاری از گزارش‌هایی که می‌بینیم، این‌گونه شروع می‌شوند: «طبق اطلاعات شفاهی به دست آمده...». این خود حاکی از آن است که اکثر گزارش‌هایی که

اکنون مکتوب شده‌اند، از شواهد شفاهی سرچشمه گرفته‌اند. مضاف بر این، می‌گوید حتی گزارش‌های دادگاه‌ها که ما در اتقان آن‌ها تردیدی نداریم، چیزی نیستند جز گفته‌های قاضی و پیاده‌کردن آن گفته‌ها توسط منشی او.

مورخان شفاهی بعضاً از کاستی‌های رشته خود خبر دارند. پازرینی که از سردمداران این حوزه است، می‌گوید خطر افتادن در دام «دمکراتیزاسیون سطحی» و «پوپولیسم از خودراضی» در تاریخ شفاهی وجود دارد؛ البته فقط در صورتی که بخواهیم بسان ضبط صوتی باشیم که گفته‌های طبقات خاموش را گوش دهیم و همان طور به چاپ برسانیم. او چاره را کار تفسیر انتقادی می‌داند. نباید گمان کنیم هرآنچه راوی می‌گوید، عین حقیقت است. باید گفتار راوی را طبق زمینه و فرهنگ عمومی و ایدئولوژی جامعه و به‌گونه‌ای انتقادی تفسیر کرد. در این صورت، حتی ناگفته‌های راوی معنادار است. پازرینی در پژوهش خود دربارهٔ طبقه کارگر شهر تورین، این شیوه را اجرا کرد و نشان داد که سکوت طبقه کارگر نیز معنادار است. آن‌ها تمام زندگی خود را با بی‌اعتنایی به فاشیسم روایت می‌کردند؛ اما نمی‌توان این سکوت را به تأثیر نداشتن فاشیسم بر آنان معنا کرد؛ بلکه، به عکس، باید آن را حاکی از اختناق و فشار عمیق فاشیسم بر زندگی روزمره آنان دانست.

گفتنی است که نباید گمان کنیم تاریخ شفاهی روشی همواره رادیکال است که سودای تریبون‌دادن به فرودستان و خاموشان را در سر دارد. تاریخ شفاهی در دو شیوه رادیکال و محافظه‌کارانه به کار رفته است. نمونه برجسته رادیکال آن را می‌توان کتاب صداهایی از چرنوبیل، اثر سوتلانا الکسویچ دانست. او در این اثر، صدای کسانی را به گوش ما می‌رساند که حاکمیت، سال‌ها در صدد خاموش کردن آن بوده است. نمونه‌های زیادی نیز وجود دارد که از تاریخ شفاهی برای حفظ و تقویت گفتمان‌های محافظه‌کارانه و چه‌بسا فاشیستی استفاده کرده‌اند. تامپسون کتاب آدولف هیتلر، نوشته جان تولند را از این دسته می‌داند.

جامعه روشن‌فکری و دانشگاهی ما نیازمند تاریخ شفاهی است؛ وگرنه در بسیاری از حوزه‌ها به بن‌بست می‌خورد و به‌صرف مباحث انتزاعی و منفک از جامعه اکتفا خواهد کرد. ما هنوز بسیاری از وقایع را طبق سندها و گزارش‌های رسمی بیان می‌کنیم و چیز تازه‌تری برای اضافه‌کردن به آن‌ها نداریم. برای مثال، اصلاحات ارضی یکی از همین وقایع است. در مواجهه با این موضوع، جامعه روشن‌فکری ما به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا له اصلاحات ارضی یا علیه اصلاحات ارضی. در عین حال، هر دو از سندی گران‌بها که گفته‌های خود کشاورزان و رعیت است، محروم‌اند. جوانانی که اصلاحات ارضی را درک کرده‌اند، اکنون یا بسیار سال‌خورده‌اند یا اصلاً در قید حیات نیستند. اگر دیر به خودمان بیاییم، سرنوشت بسیاری از وقایع دیگر نیز همین خواهد بود و از تجربه ناب و مستقیم واقعیت بهره‌ای نخواهیم برد.



کتاب حاضر، حاوی هشت مقاله درباره تاریخ شفاهی است. مقاله اول تا ششم برگرفته از کتاب گفتارهایی در باب تاریخ شفاهی^۱ است. این کتاب را رابرت پرکس^۲ و الستر تامسون گردآوری کرده‌اند و شامل پنج بخش است. در هر بخش، پاره‌هایی از مهم‌ترین کتاب‌های موجود در این حوزه را جمع‌آوری کرده‌اند. بخش اول کتاب «تحوالات انتقادی» نام دارد که شش مقاله آن در دفتر پیش‌رو حضور دارد. مقالات این بخش به مباحث نظری تاریخ شفاهی مربوط‌اند. ما در این دفتر گفتارهای کسانی را برگزیده‌ایم که از مهم‌ترین و اثرگذارترین افراد در این حوزه هستند.

1. The oral history reader

2. Robert Perks

مقاله اول، «صدای گذشته»، برگرفته از کتابی با همین عنوان است که پل تامپسون آن را در سال ۱۹۷۸ نگاشت و چنان‌که الستر تامسون می‌گوید، به‌سرعت به «کتاب درسی استاندارد برای مورخان شفاهی در سراسر جهان» تبدیل شد. پل تامپسون متذکر می‌شود که ترس از تاریخ شفاهی بیجاست. می‌گوید تاکنون نقطه ثقل تاریخ اساساً سیاسی بوده است و هیچ توجهی به زندگی روزمره کارگران و زنان و دیگر فرودستان نمی‌شده است، مگر آنکه مسئله‌ساز شده باشند. او در این مقاله از تغییراتی می‌گوید که تاریخ شفاهی در تاریخ سیاسی و تاریخ خانواده ایجاد کرده است. او یکی از کارکردهای بسیار مهم تاریخ شفاهی را تولید سند «از پایین» و مردمان کمتر دیده شده می‌داند.

مقاله دوم، «تاریخ شفاهی و دوران سخت؛ مقاله مروری» متن سخنرانی مایکل فریش است. او سعی کرده کتاب استادز ترکل، «دوران سخت»، را دستاویزی قرار دهد تا درباره برخی از مسائل تاریخ شفاهی سخن بگوید. مقاله سوم، «جنبش بدون هدف»، نوشته رونالد گریل است که از کتاب دامنه‌های صدا: هنر تاریخ شفاهی^۱ استخراج شده است. او به‌درستی می‌گوید که تاریخ شفاهی تاکنون عمده علاقه و تمرکزش را به انتشار عمومی اختصاص داده و چندان به بحث نظری اهمیت نداده است. این مهم در کشور ما نیز چنین است و کتاب‌های نظری در این باره بسیار اندک‌اند. او نقدهایی را که به تاریخ شفاهی شده است، در سه دسته قرار می‌دهد: «مصاحبه، استانداردهای پژوهش پیش از مصاحبه و مسائل روش‌شناختی تاریخی». بر این عقیده است که دو دسته اول با تمرین و رعایت کردن استانداردهای پژوهشی، حل‌شدنی است. او مسائل اصلی تاریخ شفاهی را تاریخ‌نگارانه می‌داند و در صدد بحث کردن درباره برخی از

آن‌ها، نظیر ارجحیت اسناد کتبی بر اسناد شفاهی، نقش مورخ مصاحبه‌گر در تاریخ شفاهی و خود مصاحبه است.

مقاله چهارم، «ایدئولوژی کار و اجماع در عصر فاشیسم ایتالیا»، متعلق به لویزا پازرینی^۱، مورخ شفاهی ایتالیایی است. او در این مقاله دربارهٔ برخی کاستی‌های تاریخ شفاهی بحث می‌کند. به نظر وی، عمدهٔ خطراتی که تاریخ شفاهی را تهدید می‌کند، پوپولیسم از خود راضی، دمکراتیزاسیون سطحی و ایجاد کردن کلونی جدا از دیگران است. او در ادامه، به بحث خود دربارهٔ نگرش طبقهٔ کارگر ایتالیا به فاشیسم می‌پردازد و نشان می‌دهد که تناقض‌ها و ناهمخوانی‌ها و سکوت‌ها همه در تاریخ شفاهی معنادار هستند.

مقالهٔ پنجم، «آنچه تاریخ شفاهی را متفاوت می‌کند»، نوشتهٔ الساندرو پورتلی، دیگر مورخ شفاهی ایتالیایی است. این نوشته از کتاب مرگ لوئیجی تراستولی و داستان‌های دیگر: فرم و معنادر تاریخ شفاهی^۲ استخراج شده است. او در این مقاله برخی از مهم‌ترین و پرمناقشه‌ترین مسائل دربارهٔ تاریخ شفاهی را پیش می‌کشد: شفاهیت تاریخ شفاهی، تاریخ شفاهی در مقام روایت، معنا در تاریخ شفاهی و عینیت آثار تاریخ شفاهی.

مقالهٔ ششم، «خاطرهٔ عمومی؛ نظریه، سیاست‌ها و روش»، همان‌طور که از نامش پیداست به رابطهٔ خاطره و سیاست می‌پردازد. در این نوشتار، نویسندگان ابتدا خاطرهٔ عمومی را تعریف کرده و نسبت آن را جامعه‌رديابی کرده‌اند. سپس دربارهٔ خاطرهٔ مسلط و قدرت بازنمودهای تاریخی و نقش خاطره به مثابهٔ کنشی سیاسی بحث می‌شود.

مقالهٔ هفتم، قصه‌هایمان را بگوییم^۳، مربوط به مباحثات فمینیستی در باب

1. Luisa Passerini

2. The Death of Luigi Trastulli and Other Stories: Form and Meaning in Oral History

تاریخ شفاهی است. سانگستر بر این باور است که نباید به تاریخ شفاهی به عنوان مکمل تاریخ رسمی نگاه کرد. به نظر او، این «مهم است که پیرسیم چگونه جنسیت، نژاد و طبقه، به مثابه روابط ساختاری و ایدئولوژیک، ساختار خاطره تاریخی را شکل می دهند». در واقع، نویسنده می خواهد این نکته را نشان دهد که جنسیت و طبقه و نژاد و دیگر عوامل اجتماعی در اینکه زندگی خود را چگونه به یاد آوریم، بسیار مؤثر هستند.

مقاله هشتم «چهار تغییر پارادایمی در تاریخ شفاهی»، متعلق به الستر تامسون است که زمستان ۲۰۰۷ در اورال هیستوری ریویو به چاپ رسیده است. او در این مقاله به چهار تغییر پارادایمی ای پرداخته که تاریخ شفاهی از ابتدا تا اکنون پشت سر گذاشته است. این تغییرات عبارت اند از: «نخست، رنسانس پساجنگ که خاطره را منبعی برای 'تاریخ مردم' در نظر گرفت؛ دوم، تحول از رویکردهای 'پساپوزیتیویستی' اواخر دهه ۱۹۷۰ به خاطره و ذهنیت؛ سوم، تغییر بینش ها درباره نقش مورخ شفاهی به عنوان مصاحبه گر و تحلیلگر از دهه ۱۹۸۰؛ و چهارم، انقلاب دیجیتال اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰».

مقاله آخر، «روش های زندگی نامه ای» نوشته جوانا برنات است که در کتاب «دستنامه روش های تحقیق اجتماعی»^۱ در سال ۲۰۰۸ به چاپ رسیده است. برنات در این مقاله سه روش زندگی نامه ای، یعنی «روش تفسیری زندگی نامه ای»، «تاریخ شفاهی» و «تحلیل روایت» را با هم مقایسه می کند، و چنان که خود می گوید، از تاریخ شفاهی هواداری می کند.



1. Bornat, Joanna (2008). Biographical methods. In: Alasuutari, Pertti; Bickman, Leonard and Brannen, Julia eds. The Sage Handbook of Social Research Methods. London, UK: Sage, pp.

ترجمه این کتاب در اواخر زمستان ۱۳۹۸ کلید خورد. هدف از ترجمه، ترمیم بخش کوچکی از شکاف گسترده‌ای بود که میان مباحث نظری و عملی تاریخ شفاهی وجود دارد. بسیاری از کنشوران تاریخ شفاهی، خود را از مباحث نظری بی‌نیاز می‌دانند و گمان می‌کنند توانایی برقراری ارتباط با راوی و یک ضبط صوت برای کنشگری در این حوزه کفایت می‌کند. این البته برای کسی که خود را فقط مصاحبه‌گر می‌داند، کافی است؛ اما برای کسی که خود را در مقام مورخ می‌بیند، نه. مورخ به چگونگی استفاده از مصاحبه، به سنجش اعتبار مصاحبه و به قراردادن مصاحبه در زمینه اجتماعی و فرهنگی آن نیاز دارد تا بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد.

برخی دیگر از مقالات کتاب گفتارهایی در باب تاریخ شفاهی نیز در حال ترجمه است که احتمالاً در دفترهایی جداگانه به چاپ خواهند رسید. در پایان، از ظرافت طبع دست‌اندرکاران مؤسسه «تاریخ شفاهی روایت»، که ترجمه این کتاب را پیشنهاد دادند، سپاسگزاریم. آقای میثم مهدیار نیز صمیمانه از ترجمه کتاب استقبال کرد و از هیچ کمکی دریغ نکرد؛ از ایشان نیز تشکر می‌کنیم. برطرف شدن بسیاری از ایرادهای ترجمه را مدیون دقت و نکته‌سنجی دکتر صابر جعفری هستیم. بی‌شک اگر همراهی ایشان نبود، ترجمه کتاب، آن‌چنان که باید، از آب در نمی‌آمد. خانم الهام‌سادات یاسینی نیز برخی اغلاط متن را اصلاح کرد و پیشنهادهای ارزنده‌ای برای پیراستن آن ارائه داد که سبب خوانایی بیشتر و بهتر ترجمه شد. از ایشان نیز سپاسگزاریم. با این همه، خواننده باریک‌بین و نکته‌دان همواره خواهد توانست انتقادهایی به متن وارد کند. از آنان خواهشمندیم که انتقادهای خود را از طریق ایمیل^۱ با ما در میان بگذارند.

محمد جمشیدی و مهدی خلیلی

I. M.jamshidi1414@gmail.com